

عزیز آریانفر

نقش منابع انرژی در همگرایی و همکاری منطقه‌ی

(سخنرانی در پانزدهمین همایش بین‌المللی آسیای میانه و قفقاز)

بر پایه‌ی نظریه‌ی ژاک اتالی مشاور فرانسوا میتران رییس‌جمهور پیشین فرانسه، در باره‌ی مناطق ژئواکونومیک، منطقه‌ی ما، گستره‌ی ژئواکونومیک بزرگی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند جایگاه بلندی در ساختار ژئواکونومیک جهان داشته باشد. زمینه‌ی توسعه‌ی این ساختار را می‌توان در آینده در چهارچوب یک ساختار منطقه‌ی همانند به اتحادیه‌ی اروپا در نظر گرفت. در این ساختار، همگرایی منطقه‌ی، مشارکت اقتصادی و توازن منافع مشترک کشور های منطقه، به ویژه در بخش بهره‌گیری باهمی از منابع انرژی، باید در دستور کار قرار گیرد.

توسعه‌ی هماهنگ و ارگانیک کشور های منطقه در گرو ریختن طرح مشخص و منظم اقتصادی برای آن است. با توجه به موجودیت منابع بزرگ انرژی در منطقه، اهمیت یابی روز افزون کریدور شمال - جنوب و نقش ترانزیتی افغانستان و به ویژه ایران در آن، و با توجه به بستر تاریخی فرهنگی هموار در منطقه و اشتراک باشندگان آن در زمینه های مختلف، می‌توان به آینده‌ی چنین ساختار ی امیدوار بود.

موجودیت گنجینه های بزرگ نفت و گاز در منطقه، به ویژه بهره برداری از خاستگاه های عظیم پارس جنوبی، کشیدن لوله های رسانایی نفت و گاز به ترکیه از ایران و قفقاز و به پاکستان و هند، چه از آسیای میانه و افغانستان و چه از ایران به این کشور ها و نیز کشیدن لوله های دیگر در مسیر چین و اروپای باختری از منطقه، زمینه‌ی ثبات و شگوفایی اقتصادی را فراهم خواهد آورد. همچنان باید به دیگر منابع انرژی از جمله انرژی خورشیدی، انرژی هسته‌ی، باد و آب های زیر زمینی و مانند آن توجه شود.

در این جا اصل همگرایی منطقه یی به جای واگرایی اعم از درونگرایی و برونگرایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. با بهره برداری از گنجینه های بزرگ منطقه و برنامه ریزی درست و خردمندانه، می توان زمینه توسعه صنایع پتروشیمی و دیگر صنایع را بررسی نمود که خود می تواند توانمندی های کشور های منطقه را در دیگر عرصه ها مانند کشاورزی و صنایع سبک و سنگین بیفزاید.

با توجه به این که اکنون جهان به سوی منطقه یی شدن پیش می رود و دیگر هیچ کشوری نخواهد توانست به تنهایی به سر برد، تشکیل ساختار های نوین منطقه یی از اولولیت ها به شمار می رود. در این راستا تقویت نقش اکو به عنوان یک مکانیسم اقتصادی که می تواند روند همگرایی (انٹیگرسیون) را در میان کشور های منطقه گسترش بخشد، از اولویت خاصی برخوردار است.

بحران انرژی در جهان

در جهان امروز مصرف نفت به نشانگر های بسیار بالایی رسیده است- بر پایه برخی از آمار ها نزدیک به 70 میلیون بشکه در روز. بزرگترین کشور مصرف کننده نفت در جهان- امریکا است که بیش از ده میلیون بشکه نفت را در روز استخراج، وارد و مصرف می نماید.¹ بر پایه گزارش " بریتش پترولیوم"- امریکا کشوری که ذخایر گنجینه های نفتی آن به بیش از 3 میلیارد تن می رسد، با حفظ تراز کنونی استخراج سالانه 370 میلیون تن نفت تنها توانایی استخراج نفت را برای هشت و نیم سال آینده دارد.² در صورت افزایش تولید نفت در این کشور، این ذخایر تا چند سال دیگر به ته خواهند کشید. این گونه امریکا- کشوری که روزگاری بزرگترین تولید کننده نفت در جهان به شمار می رفت، به زودی به یک کشور بدون نفت مبدل خواهد گردید.

وضع بحرانی یی نیز در ایالات متحده در رابطه با گاز طبیعی به وجود آمده است: استخراج و واردات گاز پیوسته کاهش می یابد. و این در حالی است که تقاضا با آهنگ ها (نرخ ها) ی بس تند و شتابانی به افزایش ادامه می دهد. امکانات صادر کنندگان سنتی به شمول کانادا نیز کاهش می یابد و نمی تواند این تقاضای فزاینده را برآورده سازد. پیامد آشکار این بحران، افزایش سریع قیمت ها است که موجب ناخرسندی هم مصرف کنندگان و هم تاجران و ارگان

¹ . Lieven A. **The Secret Policeman, Ball: The USA , Russia and the international order after 11 Sep.**// international Affairs. 2002. V. 78.Nr.2 P.245-246.

².” **British Petroleum** “ Report . 2003. P. 15.

هاي دولتي مي گردد. اين در حالي است كه بهاي گاز در امريكا در سال هاي اخير دو بار افزايش يافته است .

هم اكنون 95 درصد نيروگاه هاي برق در امريكا با گاز كار مي كند. با توجه به اين كه بنا به محتاطانه ترين ارزيابي ها، نياز به گاز در امريكا در بيست سال آينده، نزديك به دو چند خواهد گرديد.

در سال هاي 1999-2000 امريكا با جدي ترين كمبود انرژي از زمان بحران دهه هفتاد رو برو گرديد. عدم توازن موجود ميان عرضه و تقاضا، براي تحليل گران امريكايي مبنايي را به دست داد تا اوضاع را همچون " بحران ملي انرژي " ارزيابي نمايند . مسايل اساسي يي كه در برابر انرژتيك امريكا قرار دارد، عبارت اند از : كمبود عمومي تامين انرژي، وابستگي روزافزون خارجي در گام نخست به واردات نفت، قيمت هاي بلند فرآورده هاي نفتي و زيرساخت (انفراستركتور) كهنه شده و فرسوده انرژيك.

هرگاه قرار باشد براي وضعيت امريكا در سده بيست و يكم مانايي تصور نماييم ، اين کشور را مي توان به دينوزاور اينگوان (مارمولك غول پيكر) - بزرگترين دينوزاور ها همانند دانست. اين دينوزاور گياهخور به اندازه يي بزرگ بود كه كه هر چه مي خورد، سيرايي نداشت و يكي از دلايل انقراض آنرا هم، همين ناسيرايي آن مي پندارند كه سرانجام از فرط گرسنگي از پا درآمد. با اين هم به هر رو، با توجه به توانمدي هاي مالي، فني و نظامي امريكا، دشوار است سخن از از پا درآمدن "دينوزاور نفتخوار" از فرط "گرسنگي نفتي" بر زبان بياوريم. هر چند ممكن است اين دينوزاور در آينده ناگزينر گردد با رژيم غذايي نفتي- گازي زندگاني به سر برد. تفاوتهاي ميان دينوزاور گياهخور و دينوزاور نفتخور هست كه مبنايي به دست نمي دهد سخن از انقراض آن بر زبان بياوريم. دينوزاور گياهخور با همه بزرگي جثه، مغزي به اندازه پرستو داشت، در حالي كه دينوزاور نفتخوار بزرگترين مغز اطلاعاتي جهان را در اختيار دارد. دينوزاور گياهخور (متفاوت با دينوزاور هاي گوشتخوار) ، ناتوانترين دينوزاور در ميان همتهاران خود بود، در حالي كه دينوزاور نفتخور نيرومند ترين زرادخانه جهان را در اختيار دارد.

آنچه مربوط به اروپاي باخترمي مي گردد، هم وضع بهتري از امريكا ندارد. ذخاير دريائي شمال در حدود 70-90 درصد بهره

برداري گرديده است. از اين رو اروپا ناگزير است منابع ثابت مواد خام انرژيتيك را جستجو نمايد.³ افزايش سه باره بهاي نفت طی سه دهه اخير، يکي از علل بحران انرژيتيك گرديده است. به ويژه اين که در ماه هاي اوت و سپتامبر 2004 بهاي نفت بالاي تراز 50 دلار في بشکه افزايش يافته است و به مرز 51 دلار رسیده است.

نفوس جهان از 5.27 ميليارد در 1990 تا 6.05 ميليارد نفر در سال 2000 افزايش يافت و مقارن 2020 مي تواند به 7.5 ميليارد نفر برسد. بنا بر مدارك سازمان ملل متحد، در سال هاي 2001 - 2020 بالا ترين رشد سالانه نفوس به ميزان 1.3 درصد در کشور هاي رو به رشد و 0.4 درصد در کشور هاي پيشرفته صنعتي انتظار مي رود.⁴ روشن است با بالا رفتن شمار باشندگان زمين، تراز مصرف نفت نيز بالا خواهد رفت.

تراز زندگي که در کشور هاي مختلف بس نابرابر است، نيز درکل بالا خواهد رفت که نمي تواند بر رشد مصرف انرژي تاثير نگذارد.

رشد روز افزون مصرف انرژي در اقتصاد جهاني و کاهش ظرفيت هاي جهاني انرژي در اواخر سده بيستم منجر به آن گرديده است که در سده بيست و يکم كيفيت زندگي در هر کشوري پيش از هر چيزي با امکانات دسترسي آن کشور به منابع طبيعي بستگي پيدا نمايد و تاثير آن کشور بر مناسبات بين المللي نيز با همين شاخص تعيين خواهد گرديد. اين مساله براي کشور هاي پيشرفته بس جدي مطرح است. اين گونه براي آنها مساله منابع انرژي به مساله " بقا " و نفت به " آب بقا " مبدل گرديده است.

هر چه هست، جهان، به ويژه جهان پيشرفته صنعتي باختر در آينده نزديك با بحران تازه يي رو برو خواهد گرديد. اين در حالي است که توجه به منابع جاگزين در اولويت قرار خواهد گرفت. انرژي باد، انرژي خورشيد، و انرژي هسته يي و نيز انرژي آب هاي ژيوترمال زيرزميني مي تواند از نگراني در زمينه کمبود انرژي بکاهد. هم اکنون براي مثال در هلند بيشتر از 15 درصد انرژي کشور از منبع انرژي باد و در ژاپن بيشتر از 17 درصد انرژي کشور از انرژي خورشيد تامين مي شود.

³ . اوتكين آ. اي. ، **تنها ابرقدرت، مسکو، انتشارات " الگوريتم "**، ص 475.

⁴ . بايکف ن. ، **مصرف و توليد جهاني منابع اوليه انرژي //** اقتصاد جهاني و مناسبات بين المللي، 2003، شماره 5 ، ص 44-52.

انرژی هسته یی و موقعیت ژئواستراتیژیک افغانستان و تاجیکستان

امروزه کاربرد انرژی هسته یی نیز رو به گسترش دارد و در بسیاری از کشور های جهان رایج گردیده است. در بسیاری از کشور های پیشرفته جهان نیروگاه های برق هسته یی بیشترین مقدار انرژی برق را تولید می کنند. در کشور های رو به رشد نیز این روند رو به بالندگی دارد. از جمله برنامه های صلح آمیز بهره گیری از انرژی هسته یی در ایران نیز روی دست است و کار ساخت و ساز نیروگاه هسته یی بوشهر به میزان زیادی پیش رفته است.

آنچه بایسته یادآوری است، این است که گنجینه های یورانیوم جهان نیز پایان ناپذیر نیستند. یکی از بزرگترین خاستگاه های یورانیوم جهان در سیبری روسیه واقع است که از بس استخراج شده، رو به پایان یافتن دارد. خاستگاه های مورد استفاده امریکا و انگلستان نیز در وضع همانندی قرار دارند. خاستگاه ها بزرگ ویت و اترسرانت افریقای جنوبی نیز رو به ته کشیدن دارد. در این جا نقش خاستگاه های یورانیوم تازبیکستان که 4 درصد ذخایر جهانی را می سازند و ذخایر یورانیوم قزاقستان که 17 درصد ذخایر جهانی را می سازد، برجسته می گردد. از این رو، هرکه در سده بیست و یکم این خاستگاه ها را در اختیار داشته باشد، ابر قدرت انرژیستیک و هسته یی آینده خواهد بود. در پرتو همین، حقیقت باید به رویداد های دهه های هشتاد و نود سده بیستم و دهه آغازین سده بیست و یکم افغانستان با دید تازه یی نگریست. این امر مبنای بس شگفتی برانگیزی را برای تجزیه و تحلیل رخداد های دراماتیک افغانستان به دست می دهد.

موقعیت ژئواستراتیژیک افغانستان و ازبیکستان را نیز باید از همین زاویه بررسی کرد. هم اکنون یک لشکر زرهی بسیار مجهز روسیه برای نهبانی از این خاستگاه ها در مرز های افغانستان و تاجیکستان مستقر هستند. در پامیر یکی از بزرگترین پایگاه های موشکی روسیه مستقر است که مهمترین مناطق استراتیژیک جهان را از جزیره نمایی عربستان و خلیج فارس گرفته تا نیمقاره هند، سراسر آسیای میانه، خزر و قفقاز در تیر رس دارد. در آن سوی افغانستان و تاجیکستان، کشور چین- ابر قدرت آینده جهان به سرعت در حال پیشروی و همگام با آن افزایش بخشیدن به توانمندی های رزمی خویش است. کشور های دیگر منطقه مانند هند و پاکستان هم به اردوگاه کشور های هسته یی جهان پیوسته اند.

در رویارویی با روسیه، نیروهای استراتیژیک ایالات متحده در جزیره دیگوگارسیا در اقیانوس هند مستقر هستند. در این جزیره هواپیماهای ب-52 در هر لحظه آماده هستند بر فراز آسمان اهداف مورد نظر خود در منطقه به پرواز درآیند. افزون بر آن ناوگان بزرگی از کشتی های هواپیما بر امریکا در خلیج فارس مستقر است. شمار نیرو های امریکایی در عربستان سعودی بنا به برخی از آمار ها به بیش از هفتاد هزار نفر می رسد. به این شمار، اگر نیروهای امریکایی و انگلیسی مستقر در عراق و ماشین توانمند جنگی اسراییل را بیفزاییم، به نقش بسیار برجسته ژئواستراتیژیک افغانستان در منطقه - در همسایگی بزرگترین خاستگاه های یورانیوم جهان پی می بریم.

به هر رو، هرگاه از مسایل ژئواستراتیژیک بگذریم، بهره گیری صلح آمیز از گنجینه های یورانیوم تاجیکستان در آینده می تواند با بالا بردن توانمندی برقی این کشور، سیمای منطقه را از ریشه دگرگون سازد. از سوی دیگر، این کشور در آینده می تواند به بزرگترین صادر کننده یورانیوم جهان مبدل گردد و از این راه درآمد های سرشار ارزی به دست بیاورد که به نوبه خود زمینه ساز پیشرفت سریع آن و شگوفایی اقتصادی منطقه خواهد گردید.

دیپلماسی انرژی:

" برای آن که نقش فرمول نفت و سیاست را درک کرد، بایسته است در گام نخست نقش فاکتور نفتی را در زندگی معاصر و امکانات اثر گذاری از طریق آن را در روند های جهانی روشن گردانید. این مساله در سالهای هفتاد، با اوج گیری بحران انرژی، هنگامی که صادر کنندگان نفت آغاز به دیکته کردن شرایط خود در مورد فروش آن به جهان غرب نمودند، سیمای خود را بی پرده به نمایش گذاشت.

پسان ها اهرم نفتی از سوی ایالات متحده در استراتیژی آن کشور برای فروپاشی اقتصادی شوروی مورد بهره گیری قرار گرفت. رهبران امریکا با گذاشتن این مقصد در برابر خود که توانایی های اقتصادی شوروی را در هم بکوبند، آسیب پذیر ترین نقاط را در اقتصاد شوروی نشانی نموده و یک رشته تدبیر های اساسی را در زمینه فروپاشی آن تدوین نمودند.

یکی از این تدبیر ها عبارت بود از تشدید مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته به شمول ایجاد "سیستم ابتکار دفاع استراتیژیک" تا این گونه شوروی را درگیر یک رویارویی پر هزینه بگردانند. روشن بود اقتصاد بیمار شوروی توان بر پشت کشیدن باری به این سنگینی را نداشت.

" بي خون ساختن " اقتصاد شوروي از راه پايين آوردن و کاهش درآمد هاي ارزي از مدرک صادرات انرژی نیز بخش مهمي از اين استراتیژی را مي ساخت که بارز ترين ابزار در اين جا پايين آوردن بهاي نفت در بازار هاي جهاني بود. همچنان به اين رشته شگرد ها مي توان تدبیر ها يي را در زمينهء تحریم و مجازات هاي اقتصادي ، تحويل ندادن تکنولوژی پیشرفته در زمينهء استخراج و انتقال نفت و مانند آن افزود. موفقیت در اين راستاء در گام نخست، در نتیجه همکاری دولت ریگان با عربستان سعودي که در آن هنگام دومین کشور پس از شوروي در زمينه استخراج نفت شمرده مي شد، دستیاب گردید.

در يك گزارش محرمانه سیا سنجش هايي آورده شده است که بر پایه آن " کاهش بهاي نفت در بازار هاي جهاني به میزان يك دلار در بشکه، منجر به از دست رفتن سودي برابر با 500 تا 1000 ميليون دلار در مسکو مي گردد". در عمل بهاي نفت بیش تر از 1 دلار در يك بشکه پايين آمد و زیان سالانهء شوروي از افت بهاي نفت در سال 1986 سر به سیزده میلیارد دلار مي زد. همراه با کاهش بهاي نفت، بهاي گاز طبیعی نیز افتاد. اين گونه در عرصه بازرگانی گاز در آمد هاي ارزي روسیه نیز میلیارد ها دلار کاهش یافت.

افزون بر آن، ایالات متحده امریکا براي کاهش مصنوعي ارزش دلار نیز زمينه سازي مي کرد که در اوضاع صدور نفت شوروي، سالانه به میزان 2 میلیارد دلار زیان به آن کشور مي رسانید. افزون بر آن، کمبود دلار آزاد به عنوان عواقب افت ارزش نفت، به آن منجر گردید که خریداران اسلحهء شوروي مانند ایران، عراق و لیبی به میزان دو میلیارد دلار کمتر اسلحه از شوروي بخرند".⁵ اين گونه، اين بازی بزرگ مالي - انرژیتيک، در راستاي در هم کوبیدن اقتصاد ایران انقلابي که بي آن هم در گیر جنگ ناخواسته يي با عراق بود ، نیز متوجه بود.

با توجه به دگرديسي هاي جديد پس از فروپاشي شوروي و به آزادي رسيدن جمهوري هاي قفقاز و آسیاي میانه و به وجود آمدن وضعیت ژئوپولیتیک نوین در منطقه به ویژه در خزر و پس از آن رویداد هاي عراق و افغانستان، دیپلماسي

⁵ . ماتیاش و.ن. ، روسیه و ایالات متحده: نفت و ژئوپولیتیک (آنالیز سياسي)، انتشارات اکادمي دیپلماسي وزارت خارجه روسیه، 2004

انرژی‌تیک سیمای تازه یی را به خود گرفت که در سطور بعدی نیز بار بار به آن اشاره خواهیم کرد.

روسیه - ابر قدرت انرژی‌تیک سده بیست و یکم:

پاییز 2001 برای نخستین بار خاور نزدیک یک رقیب بزرگ انرژی‌تیک پیدا نمود- روسیه و همسایه های نزدیک آن. پس از فروپاشی شوروی در 1998 و شدت گیری بحران بزرگ مالی - صنعتی در این کشور که دیوالیسیون و هایپر انفلاسیون شگفتی برانگیز روبل (از 4 روبل در برابر یک دلار به بهای شناور و 1.65 دلار در برابر یک روبل به بهای رسمی، به 30000 روبل در برابر یک دلار به بهای شناور) را در پی داشت، روسیه توانست تولید نفت را افزایش بدهد. برای نخستین بار طی 22 سال در فبروری 2002 روسیه که تولید آن به 348 میلیون تن (7.28 میلیون بشکه در روز) رسید، جایگاه نخست را در میان کشورهای تولید کننده نفت به خود باز گردانید. اما با این هم روسیه هنوز از تراز استخراج ریکورد دوره شوروی (590 میلیون تن در سال بسیار دور است.

روسیه، واقعا با داشتن ذخایر عظیم منابع انرژی و پایگاه صنعتی وزین لازم برای توسعه انرژی‌تیک، به صورت عینی دولت انرژی‌تیک عظیمی است و نقش برجسته یی را در عرصه انرژی‌تیک جهانی بازی می کند. بر پایه داده های مؤثق، درآمد روسیه از مدرک فروش نفت و فرآورده های نفتی در بازار های جهانی در سال 2003 به 53 میلیارد دلار می رسید .

جریده واشنگتن پست در شماره بیست دسامبر 2002 خود نوشت که "مسکو" در راه مبدل شدن به هوستون تازه یی- همچون پایتخت جهانی استخراج انرژی‌تیک ایستاده است"⁷

در پایان سال 2001 ، روسیه سازشنامه مهمی از دیدگاه استراتیژیک با اتحادیه اروپایی در باره همکاری های دراز مدت در زمینه انرژی‌تیک عقد نمود. امروزه روسیه 16 درصد واردات نفتی جامعه اروپا را تامین می نماید. روسیه همچنان سازشنامه های مهمی را با کمپنی های امریکایی به امضاء رسانیده است. برای مثال در پروژه عظیم ساخالین-1 که در آن مجری پروژه -کمپانی امریکایی " اکسون نفت- گاز لمتد " است، امریکایی ها 30 درصد سهم دارند. حجم کلی سرمایه گذاری در پروژه 15.2 میلیارد دلار ارزیابی می گردد. استخراج سه خاستگاه دریایی در دریای

⁶ . کمیته دولتی آمار فدراسیون روسیه، 2003

⁷ . اوتکین، تنها ابرقدرت، ص 478

اختسك در حوالی شمال خاوری ساخالین که ذخایر قابل استخراج مجموعی آن 325 میلیون تن نفت و 425 میلیارد متر مکعب گاز می باشد، نیز به یاری کمپانی های امریکایی صورت می گیرد.

در اکتبر 2002، شرکت " اکسون موبیل" اعلام نمود تمویل 4 میلیارد دلار در روند پنج سال در استخراج نفت جزیره ساخالین را متعهد می گردد.

در باره گنجیله های نفتی و گازی روسیه آمار های گوناگونی ارائه گردیده است. برای مثال، برخی از نمایندگان کمپنی های نفتی در آثار چاپ شده خود اعلام نموده اند ذخایر نفت روسیه میان 90-110 میلیارد بشکه (21.1-14.7 میلیارد تن)⁸ است.

هم اکنون سهم روسیه تقریباً یک هفتم تولید مجموعی انرژی خام در جهان است. بر پایه برخی از داده ها در این کشور 13 درصد ذخایر جهانی نفت و بیش از 36 درصد ذخایر جهانی گاز وجود دارد و تقریباً 31 درصد استخراج آن به روسیه می رسد.

منابع اکتشاف شده گاز روسیه نسبت به ایران که 15 درصد، قطر که 7 درصد و عربستان و امارات که جمعاً 4 درصد و امریکا و الجزایر که جمعاً با 3 درصد گاز جهان را در اختیار دارند؛ به پیمانیه چشمگیری بیشتر است. امریکا شناس و سیاست شناس برجسته روسی آ. ای. اوتکین در آن محق است که " روسیه با ذخایر غنی انرژی آسیای میانه (که پس از روسیه جای دوم را در جهان می گیرد)، در دست های خود اهرم بس بیرون از تصور نیرومندی را خواهد داشت.

گاز رویهمرفته 23 درصد ذخایر انرژی جهان را تشکیل می دهد. در آینده نزدیک سهم گاز نسبت به زغالسنگ که 24 درصد کل ذخایر انرژی جهان را تشکیل می دهد، پیشی خواهد گرفت. در آینده گاز به یک فاکتور جهانی مبدل خواهد گردید.

کمپانی های غربی همین حالا این وضعیت را درک می نمایند. اتحادیه اروپا 62 درصد گاز روسیه را می خرد که 20 درصد واردات گاز اتحادیه را تشکیل می دهد. روسیه همچنان 70 درصد گاز صادرات ترکیه را تهیه می نماید.

شرکت گاز پروم⁹ روسیه در نظر دارد یک لوله عظیم انتقال گاز را از جزیره نمای یامال تا مرز آلمان

⁸. Oil and Gas Journal . Wash. (D.C.) Jan. 2003. P. 17.

⁹. سود شرکت گاز پروم در سال 2001 از بابت در آمد های گازی- 14.5 میلیارد دلار بود.

بسازد. شرکت ای. ان. ای ایتالیا همراه با گاز پروم یک لوله انتقال گاز را از طریق دریای سیاه می سازد. با کشیده شدن این لوله های رسانایی گاز بیش از پیش به توانایی صادراتی روسیه افزوده خواهد گشت. تقریباً هیچ تردیدی در کار نیست که روسیه و ایران در آینده مهمترین کشور های گازی جهان خواهند بود.

در باره توانمندی گازی روسیه، انستیتوت بورکینگ واشنگتن می نگارد: " روسیه با داشتن سیستم لوله های انتقال گاز و انفرا استرکتور مستحکم به کمک سرمایه گذاری های خارجی و با افزایش تولید می تواند تقاضا های روز افزون خریداران را پاسخ گوید. روسیه همین اکنون دست به یک تهاجم گازی به اروپا زده است و احتمالاً این کار را در آسیا نیز خواهد کرد. در سال 2002 روسیه به یک کشور نیرومند انرژی تیک مبدل گردید و می تواند در بیست سال آینده به یک ابر قدرت انرژی تیک مبدل گردد.

میخائیل کاسیانف نخست وزیر پیشین روسیه از تریبون کنفرانس جهانی اقتصادی اندیشه " محور استراتیژیک انرژی " را اعلام داشت. وی گفت که 70 درصد بودجه دولتی روسیه از مدرک صادرات نفت و گاز به دست می آید. وی خاطر نشان ساخت که استخراج روز افزون نفت در جزیرهء ساخالین و انتقال نفت پیچورا به ایالات متحده از طریق ارکتیکا (شمالگان) به کمک تانکر های یخ شکن انجام خواهد گرفت.

روسیه و ایران - یگانه کشور های جهان اند که ذخایر تثبیت شده نفتی آنها در 2003 افزایش یافته است که به پیمانہء چشمگیری اهمیت عامل نفتی را در سناریو های توسعهء جهان شمول در سدهء بیست ویک افزایش می دهد.

بر پایهء آثار نشریة جدید سالیانه انرژی تیک جهانی کمپانی نفتی بریتانیایی ب. آر. که بر پایهء مدارک مجلهء با اتوریتهء امریکایی نفت و گاز (اول اند گاز ژورنال) صورت گرفته است، حجم ذخایر تثبیت شده نفتی روسیه در 2002 به 23 درصد افزایش یافته است- تا 8.2 میلیارد تن (نزدیک به 6 درصد همه ذخایر) که در نتیجه جای هفتم را در جهان گرفته است. کمیت واقعی ذخایر تثبیت شدهء روسیه می تواند بار ها بیشتر از این باشد. بر پایهء ارزیابی های کارشناسان روسی، ذخایر نفتی این کشور از 10- 13.5 میلیارد تن می رسد. این بدان معنا است که

روسیه از نگاه ذخایر در جایگاه سوم در جهان قرار می‌گیرد و تقریباً دارنده ده درصد ذخایر جهانی از 27 درصد بیرون از اوپک می‌باشد. این گونه، با حفظ آهنگ استخراج کنونی ذخایر نفتی روسیه برای 34 سال آینده بسنده خواهد بود. بر پایه ارزیابی‌های وزارت منابع طبیعی روسیه تنها در سیبری غربی ذخایر تثبیت شده نفت به 9.1 میلیارد تن می‌رسد. و مجموع ذخایر کنونی کتگوری‌های ABC در کل 17.7 میلیارد تن را تشکیل می‌دهد. تنها در کرانه‌های باختری کامچاتکا موجودیت تقریباً 1 میلیارد تن نفت انتظار می‌رود. به همین پیمان‌ها هم در ساخالین موجود است.

در باره پروژه‌های ساختمان لوله‌های رسانایی (انتقال) نفت باید گفت که لوله سیبری غربی- مورمانسک (با هزینه 4.5 میلیارد دلار با ظرفیت 150 میلیون تن نفت همه ساله - که نسبت به تمام نفت انتقال داده شده از طریق لوله‌های "ترانس نفت" برای صادرات در 2002 بیشتر می‌باشد.) در دست احداث است. لوله‌های رسانایی نفت انگارسک- داتسین (با هزینه 2.5 میلیارد دلار با ظرفیت 30 میلیون تن نفت) نیز در دست احداث است.

امروزه 87 درصد صادرات روسیه به اروپا صورت می‌گیرد. کارشناسان کمپانی "گلوبال انزیخت" برآنند که افزایش صادرات روسیه به اروپا، بستگی بسیاری به بهسازی پایگاه‌های لجستیکی موجود آن کشور دارد. شبکه‌های لوله‌ها و ترمینال‌ها در کرانه‌های دریا‌های سیاه و بالتیک به نوسازی و بهسازی نیاز دارند. اعمار ترمینال‌های نو عمیق دریایی در ناخودکا و مورمانسک راه نفت روسیه را به سوی بازارهای نو - امریکای شمالی و آسیای خاوری که وارد کنندگان عظیم نفت به شمار می‌روند، باز می‌نماید.

در انستیتوی پژوهش‌های انرژی‌تیک اکسفورد می‌پندارند که تا پنج سال دیگر در بسیاری از خاستگاه‌های نفتی دریایی شمال برای مثال قیمت تمام‌شد استخراج نفت می‌تواند به 15-18 دلار در بشکه برسد. استخراج نفت در چین نیز کاهش خواهد یافت و همین‌گونه در جنوب خاوری آسیا در کشور‌های چون مالیزی و اندونیزی و نیز در هند آسترالیا و برخی دیگر کشور‌های کوچک امریکای لاتین. برعکس مراکز افزایش استخراج نفت عبارت خواهند بود از روسیه، منطقه خزر، افریقای باختری، احتمالاً برازیل، و به پیمان‌هایی هم کشور‌های عضو اوپک. خبرگان مرکز لندنی پژوهش‌های انرژی‌تیک بر آنند که اوپک استخراج نفت را

به خاطر تنظیم بهای نفت در بازار های جهانی با سهمیه ها محدود خواهند گردانید .

" کمترین همکاری و همسویی ایران و روسیه بسنده است تا غرب با تقریباً انحصار گران گاز در عرصه جهانی سر و کار داشته باشند. از سوی دیگر با آن که ترکمنستان، ازبیکستان و کازاخستان به پیمانۀ بسیار گاز دارند، با آن هم به پیمانۀ بسیار صادرات نفت آن ها بستگی به شبکه لوله های گاز روسیه دارد."

خلیج فارس - گنجینه نفتی جهان

خلیج فارس از دیرگاهی به این سو، همچون بزرگترین گنجینه انرژی جهان مطرح است. تفحص و اکتشاف خاستگاه های نفت و گاز در این حوضه بزرگ در نیمه نخست سده بیستم آغاز گردید. برای مثال، هنوز خاستگاه عظیم کرکوک در شمال عراق در سال 1927 کشف گردیده بود، در حالی که در بسیاری از کشورهای خاور نزدیک ذخایر اصلی نفت در سال های 40 - 50 سده بیستم کشف گردید.

بر پایه برخی از سنجش ها، کشورهای خلیج (عربستان، عراق، کویت، امارات متحده، ایران) 61 درصد ذخایر نفت و 21 درصد ذخایر گاز را دارند. از جمله ایران 15 درصد که دومین کشور دارنده گاز پس از روسیه در جهان است. سهم کشورهای عربی در استخراج جهانی طلای سیاه به بیست درصد نزدیک می شود و بنا به پیشگویی ها می تواند افزایش یابد و تا 45 درصد در سال 2020 برسد.

رویه مرفته کشورهای عربی از صادرات نفت و گاز در سال 2002 بیش از 200 میلیارد دلار به دست آورده اند. نقش کشورهای اوپک در دیپلماسی نفتی در بازار جهانی بس چشمگیر است. ذخایر اکتشاف شده نفت این کشور ها در پایان سال های دهه 90 نزدیک به 77 درصد ذخایر جهانی را می ساخت (بیش از 105 میلیارد تن). تراز جهانی استخراج آن از سوی کشورهای اوپک در پایان سده بیست نزدیک به 41 درصد استخراج جهانی پالایش نفت را دارا بود. این کشور ها همچنان 6 درصد ناوگان تانکری جهان را دارند¹⁰.

بر پایه برخی دیگر از آمار ها، در گستره کشورهای اوپک نزدیک به 40 درصد ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی متمرکز گردیده است. این کشور ها 12 درصد استخراج گاز را تامین می نمایند.

¹⁰ . World Energy Outlook 2003.Paris: IEA/ OECD, 2003.

ذخایر اکتشاف شده نفت (" خون اقتصاد جهانی ") در کشور های عربی در آغاز دهه 90 بیش از 643 میلیارد بشکه می رسد که 61.2 درصد منابع جهانی را تشکیل می داد.

در باره اهمیت منطقه برای مصرف کنندگان انرژی، مقالات و کتاب های بسیاری نوشته شده است. ما تنها به چند نکته اشاره می کنیم .

امریکا در سال 1980 به گونه رسمی خود را ضامن امنیت خلیج فارس خواند و در این راستا دکترین کارتر Carter Doctrine را مطرح نمود. در هماهنگی با همین دکترین بود که نیروهای واکنش سریع امریکا تشکیل گردید که بخش بزرگ آن در منطقه مستقر هستند. بر پایه برخی از داده ها، همین اکنون بیش از هفتاد هزار از نیرو های نظامی و امنیتی امریکایی در عربستان حضور دارند. همچنان ناوگان عظیم دریایی امریکا با کشتی های هواپیمابر در خلیج فارس مستقر هستند.

روشن است با توجه به نیاز های امریکا به نفت خلیج فارس، می توان نگرانی آن کشور را از ناحیه امنیت منطقه درک کرد. مگر بسیاری از آگاهان غربی به ویژه اروپایی سیاست های امریکا را در منطقه علت اصلی ناامنی و تنش آفرین ارزیابی می کنند و خواهان تعویض دکترین سیاسی این کشور در قبال آن اند. به ویژه لشکر کشی این کشور به عراق که پیامد های ناگواری به همراه داشته است. بنا به گمانزنی برخی از آگاهان، هرگاه در آینده نزدیک از سوی جامعه جهانی برای تامین صلح و ثبات در عراق یک طرح جامع بین المللی که متضمن تمامیت ارضی، استقلال و تشکیل یک دولت فراگیر ملی باشد، ارائه نگردد، این کشور می تواند به یک کانون بزرگ تندروری و دهشت افگنی مبدل گردد که امنیت جهانی و به ویژه امنیت منطقه را با خطر مدهشی روبرو خواهد گردانید . با پیچده شدن اوضاع در منطقه ممکن است روند صادرات نفت مختل گردید. روشن است در این صورت بهای نفت به میزان پیش بینی ناپذیری بلند خواهد رفت که اقتصاد جهانی را بحران جدی روبرو خواهد گردانید.

آنچه در سال های پسین شایان توجه است، افزایش نقش چین در منطقه و مطرح شدن آن کشور به عنوان یکی از خریداران عمده نفت است که با توجه به آهنگ رشد سریع، انتظار می رود به یکی از مشتریان عمده نفتی منطقه مطرح گردد. در پهلوی آن، پیشرفت های شگفتی برانگیز چین در سال های اخیر و و فزونی توانمندی های بازرگانی، اقتصادی و صنعتی این کشور، سرازیری سیل آسای کالا های ساخت این کشور به بازار های کشور های خلیج فارس شایان توجه است.

برای مثال، چین که تراز بازرگانی آن با عربستان تا چندی پیش صفر بود، در 1999 به این کشور 6050 میلیون دلار کالا صادر کرد. روشن است که این روند ادامه دارد. از این رو باید در سنجش های خود چین را نباید از نظر بیفکنیم. گفتنی است که در ماه ژوئن 2003 چین با وارد نمودن 252 میلیون تن نفت در زمینه واردات انرژی از ژاپن پیشی گرفت که به این گونه پس از امریکا در جایگاه دومین وارد کننده بزرگ نفت قرار گرفت.

آنچه در باره کشور های خلیج فارس شایان یادآوری و بایسته تذکر است، برجسته شدن نقش ایران به عنوان یک کشور مهم تولید کننده نفت و گاز در سال های اخیر است. با توجه به کشف گنجینه های نو نفت و گاز در ایران، اهمیت این کشور بیش از پیش افزایش یافته است. ایران با قرار داشتن در گرگاه سه حوضه مهم نفت - گازی خلیج فارس، دریای خزر و روسیه، حیثیت چهار راه بازار بزرگ انرژی جهان را دارد. با توجه به همین مساله است که در کنگره امریکا هواداران از سرگیری گفتگو با تهران هر چه بیشتر می گردد. و همچنان تمایل شرکت های بزرگ نفتی امریکا در به دست گرفتن ابتکار در امر اشتراك این کمپانی ها در پروژه های رسانایی نفت از کازاخستان - ترکمنستان - ایران به خلیج پارس بیشتر می گردد. مگر با توجه به رخداد های عراق و تداوم تحریم های اقتصادی امریکا در برابر این کشور، در آینده نزدیک انتظار پیشرفت های چشمگیر در این عرصه نمی رود.

به هر رو، " جمهوری اسلامی ایران با داشتن ابزار های قدرت لازم چون موقعیت ژئوپولیتیک برتر، جمعیت بسیار، ثروت سرشار طبیعی، تسلط بر نقاط حساس و استراتژیک منطقه و غیره بزرگترین قدرت بلا منازع منطقه یی مسلط بر خلیج فارس است. از اینرو می تواند نقش سازنده در تامین امنیت در منطقه بازی نماید."

همکاری میان کشور های نفت خیز خلیج فارس و تدوین یک استراتژی منطقه یی که متوجه به تامین امنیت و شگوفایی منطقه باشد، یکی از اولویت ها است که در صورت دستیابی به آن سیمای منطقه ما یکسره دگرگون خواهد گردید.

دریای خزر : دورنما ها و دشواری ها

سر از سال های دهه 90، با فروپاشی شوروی پیشین، " بازی بزرگ نفتی " در گستره دو سوی دریای خزر آغاز گردید. استخراج بزرگترین خاستگاه های آسیای میانه و ماورای قفقاز قلمرو جامعه کشور های مستقل همسود، کارزار مبارزه فعال کمپنی های امریکایی و جهانی برای به

دست آوردن امتیاز استخراج و انتقال " طلای سیاه " گردید. مسایل مسیر های لوله های نفتی دارای اهمیت سیاسی گردید.

اهمیت ژئوپولیتیک منطقه خزر به پیمانہ چشمگیری شمار اشتراک کنندگان و بازیگران در حل و فصل سرنوشت آن را افزایش داده است. فروپاشی شوروی شمار کشور های حومه خزر را افزایش بخشید. دو دیگر این که افزون بر کشور های خزر، نوار دوم کشور های حومه خزر ایجاد گردیده است که به گونه غیر مستقیم به این گستره دلچسپی دارند. این کشور ها عبارت اند از ترکیه، عراق و پاکستان. همچنان کشور های بزرگ جهان مانند امریکا، چین، اتحادیه اروپا و جاپان نیز به این منطقه دلچسپی دارند.

توجه بیش از حد امریکا به منطقه خزر در سال های اخیر، در گام نخست به دلیل این است که پنداشته می شود، این منطقه در سده بیست و یکم به الترناتیو واقعی خاور نزدیک و میانه در زمینه صادرات هیدروکربن ها مبدل گردد.

ذخایر مجموعی نفت در خزر، بنا به ارزیابی های گوناگون، مختلف برآورد گردیده است. برای مثال خوشبینانه ترین ارزیابی ها آن را 200 میلیارد بشکه می انگارد (برای مقایسه ذخایر تثبیت شده عربستان 259 میلیارد بشکه، عراق 112 و اروپای باختری 18.36 میلیارد بشکه است). بر پایه یک آمار دیگر ذخایر تثبیت شده خزر عبارت است از 30 میلیارد بشکه نفت و 5.58 تریلیون متر مکعب گاز.

یک ارزیابی دیگر، ذخایر مؤثق خزر را، نزدیک به 70 میلیارد بشکه نفت پیش بینی که یکی از ثروتمند ترین خاستگاه های نفت بیرون از گستره خلیج پارس است.¹¹

" قلمرو بازمانده از شوروی پیشین به شمول روسیه و ماورای قفقاز - در گام نخست سراسر منطقه قفقاز، کازاخستان و آسیای میانه برای ایالات متحده و کشور های پیشرفته باختر از دلچسپی خاصی برخوردار است. چون نزدیک به 60-70 درصد منابع اکتشاف شده منابع خام انرژی (نفت گاز، زغالسنگ و یورانیم) در این قلمرو قرار دارد.

کنترل بر منطقه و حضور در آن برای امریکا اهمیت بسیاری دارد. با توجه به موقعیت معاصر ژئوپولیتیک

¹¹. همانجا.

منطقه، کاخ سفید اهداف استراتیژیک امریکا درگسترهء خزر در 5-10 سال آینده را پایه ریزی نموده است که به گمان فراوان بر سنجش های زیر استوار اند:

- افزایش حضور در آسیای میانه و کشور های حوزهء خزر و تحکیم موقف امریکا در عرصهء دستیابی به نفت و گاز،
- - حمایت از استقلال ملی جمهوری های شوروی پیشین، با مقصد اجازه ندادن به احیای تاثیر روسیه بر گسترهء پس از شوروی، به ویژه در نواحی استخراج نفت و گاز،
- - ایستادگی در برابر پروژه های " مسیر شمالی انتقال نفت " خزر که از روسیه خواهد گذشت
- - حمایت و جهت گیری آشکار به سود " مسیر جنوبی " از سوی واشنگتن
- - حمایت از کشور های اسلامی " مدنی " در رویارویی با جنبش های اسلامی رادیکال و گروه هایی که می توانند انتقال نفت و گاز را به امریکا با دشواری روبرو گردانیده و سلطهء آن کشور را بر بازار های جهانی نفتی تضعیف نمایند.¹²

بر پایهء مدارک وزارت امور خارجه امریکا، ذخایر عمومی نفت به شمول ذخایر تثبیت شده در دریای خزر بیش از 20 میلیارد تن است که خزر را در امکان دوم پس از خلیج فارس قرار می دهد.

افزون بر آن، این ناحیه، بنا به ارزیابی امریکایی ها همچنان ذخایر چشمگیر گاز دارد.

یکی از دشواری های بزرگ در گسترهء خزر موضوع تثبیت وضعیت حقوقی آن است. برخورد های گوناگون با تعیین استاتوس (وضعیت) حقوقی خزر با جایگاه مساله در استراتیژی کشور های منطقه معین می گردد. در نتیجه باید منافع مختلف جهت این کشور ها و هم کشور های دور و نزدیک را که در پشت آنها ایستاده اند و وارد عمل شده اند را در سنجش گرفت. سیاست در این منطقه به پیمانها شایان توجهی از سوی " دیپلماسی نفتی " چنان بخش تشکیل دهندهء مولفهء انرژیتهیک مناسبات معاصر بین المللی دیکته می شود.

سه خاستگاه امید بخش منطقه حومهء خزر در آذربایجان عبارت اند از (آزادی، چراغ، و معدن عمیق دریایی گیونیشیلی) و معدن بزرگ رقیب آن (چه از دیدگاه اقتصادی و چه از دیدگاه ژئوپولیتیک) پروژه استخراج

تنگیز در کازاخستان که بنا به ارزیابی بریتش پترولیوم ذخایر آن به 1 میلیارد تن می رسد، در حالی که همه نفت آذربایجان 800 میلیون تن برآورد می شود.

چیز دیگری که بایسته یادآوری است، رقابت ها و هم چشمی ها میان کمپانی های بزرگ جهان بر سر دستیابی به گنجینه های نفتی و گازی منطقه است. برای مثال جر و بحث پیرامون پروژه آذربایجان که آن را پروژه قرن می نامند، نه به آن پیمانانه بر سر استخراج نفت آن، بل بر سر گزینش مسیر انتقال آن آغاز گردید.

ترکمنستان در میان جمهوری های همسود دومین تولید کننده گاز به شمار می رود. ذخایر تثبیت شده آن 2.89 تریلیون متر مکعب گاز و 1.1 میلیارد تن نفت است. ذخایر این کشور شاید بسیار بالاتر از این باشد و بنا به مدارک دولت ترکمنستان از 15 تا 21 تریلیون متر مکعب گاز و 36 - 47 میلیارد بشکه نفت باشد.

ذخایر خاستگاه کاشگان کازاخستان 50 میلیارد بشکه ارزیابی می گردد. در بخش روسی دریای خزر خاستگاه های جدیدی کشف گردیده است که ذخایر آن 5 میلیارد بشکه ارزیابی گردیده است. سراسر شلف حوضه خزر به گونه عینی وعده می دهد 75 میلیارد بشکه نفت بدهد. روسیه و کشورهای همسود به صورت عینی می توانند میان سال های 2003-2006 سیل صادراتی خود را تا مرز تا 2 میلیون بشکه در روز افزایش بدهند.

شایان یادآوری است که ایجاد ساختار جدید " سازمان همکاری های دریای خزر" به اشتراك همه کشورهای ساحلی از اهمیت بسیاری برخوردار است که با شگوفایی این سازمان، افق های روشنی در برابر این کشور خواهد شد.

تاجیکستان یکی دیگر از کشورهای منطقه دارای ذخایر بزرگ یورانیوم و آب است. کانسار های یورانیوم تاجیکستان نزدیک به 14-15 درصد ذخایر جهانی را دارا اند که نقش بسیار بزرگی را در آینده انرژی های جهان بازی خواهد نمود. گذشته از آن این کشور با داشتن ذخایر بزرگ آب یکی از بزرگترین تولید کنندگان انرژی برق در منطقه به شمار می رود که می تواند برای مثال به کشورهای منطقه از جمله افغانستان، ازبیکستان قرغیزستان، کازاخستان و پاکستان مقادیر بزرگ برق صادر نماید. روشن است با رسیدن برق به استان های شمال خاوری افغانستان اقتصاد این استان ها به پیمانۀ شایان توجهی شگوفان خواهد گردید.

با توجه به آنچه که در بالا یادآور گردیدم، منطقه ما با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و نیز دیگر منابع سرشار طبیعی مانند یورانیوم، منابع بزرگ آبی، موقعیت مهم ژئوپولیتیک و ژئواستراتیژیک، امکانات بس بزرگی در دست دارد تا به شگوفایی برسد.

در این راستا، پارادایم همگرایی منطقه‌ی در کنار پارادایم توسعه، به پارادایم مطرح عصر ما برای منطقه ما مبدل می‌گردد. همگرایی منطقه‌ی با توجه به همفرهنگی، همتاریخی، هم‌ریشگی تباری و یگانگی‌های دیگر بستر مناسبی دارد. تنها عزم متین و تصمیم قاطع گردانندگان کشور‌های منطقه و تدوین استراتیژی مدون فراگیر با توجه به توازن منافع کار است. در چهار چوب بینش منطقه‌ی، ایجاد ساختار‌های نوین اقتصادی در دستور کار قرار خواهد گرفت و گره کار بسا از مسایل باز خواهد شد.

بسیار مهم است تا اندیشه ما از گستره‌های محدود به گستره‌های فراختر کشانیده شود. برخورد‌های ما با مسایل یکسره دگرگون خواهد گردید. برای مثال در چهارچوب استراتیژی همگرایی منطقه‌ی تفاوتی نخواهد داشت که لوله‌های رسانایی گاز ترکمنستان از خاک افغانستان کند یا ایران. مهم این است که از منطقه عبور نماید و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به منطقه جذب گردد. دستاورد آن البته روشن است. یک منبع درآمد اضافی برای افغانستان به دست خواهد آمد. با کشیده شدن این لوله، اقتصاد استانه‌های هم‌مرز با ایران بهتر خواهد شد. با این کار امنیت این مناطق بهتر شده و در نتیجه هزینه‌های میلیارد دلاری ایران برای تامین امنیت مرز‌های خاوری آن کاهش خواهد یافت. با بالا رفتن تراز زندگی در استانه‌های باختری افغانستان قدرت خرید آنها بالا رفته و در نتیجه تراز بازرگانی میان دو کشور بالا خواهد رفت. عین موضوع در قرینه پاکستان به عنوان کشور خریدار و ترکمنستان به عنوان کشور فروشنده صدق می‌نماید.

یک نمونه خوب دگر در زمینه همکاری‌های منطقه‌ی در بخش انرژی‌تیک می‌تواند رسانایی گاز ایران برای مثال از خاستگاه پارس جنوبی به پاکستان باشد. با رسیدن گاز از ایران به پاکستان و حتی هند، صنایع پتروشیمی این کشور‌ها رشد یافته و زمینه شگوفایی اقتصادی منطقه فراهم خواهد گردید.

بهره‌گیری از منابع آبی منطقه نیز از مسایل بسیار جدی است. برای مثال همان‌گونه که یادآور گردیدیم تاجیکستان با ذخایر بزرگ آبی‌ی که دارد، یکی از بزرگترین کشور‌های تولیدکننده برق در منطقه است. کشیدن برق از

تاجیکستان به افغانستان در آینده می تواند زمینهء شگوفایی بسیاری از استان های شمال خاوری افغانستان را فراهم نماید. همچنان آینده استخراج کانسار های آهن " آجه گك" استان بامیان و کانسار مس استان لوگر افغانستان - کشوری که برق کافی ندارد- بدون استفاده از برق نیرومند تاجیکستان بیرون از تصور است.